

# تعلیم و تربیت در ایران باستان

## بخش سوم: اهمیت تشکیل خانواده

بخش پایانی

پژوهشگر: فروغ شاهرودی (فوق لیسانس فرهنگ و زبان‌های باستانی)  
ادامه از شماره گذشته

### تعلیم و تربیت خواص

#### الف - روحانیان

از جمله تربیت‌ها و آموزش‌های ویژه، خاص روحانیان بود. قبل از عصر زرتشت نیز مغان، روحانیان دینی بودند و اعمال و وظایف مذهبی و آیینی را انجام می‌دادند.

با ظهور زرتشت و آیین بهی روحانیان مسؤل انجام امور مذهبی این آیین شدند. این طبقه اعتقادهای دینی و رسم‌های مذهبی را به

شکلی فعال و زنده در متن جامعه به جریان

در تاریخ باستان ایران آموزش‌های عمومی بیش‌تر بر محور مسائل مذهبی می‌چرخید.

انداختند و درگیرودار گذر زمان، حافظ ارزش‌ها و مبانی آن بودند. پسوانی که می‌خواستند روحانی یا مغ شوند، بایستی به آموختن فلسفه و علم و کتاب‌های



آنان معتقد بودند دعاها و نیایش‌ها و انجام تشریفات همین که درست صورت پذیرد، به مبادی الوهیت خواهد رسید و هرگاه نادرست انجام گیرد منافع آن عاید حال قوای اهریمنی خواهد گردید. لذا در جریان صحیح و به قاعده آن وظایف، اهتمام کلی می‌ورزیدند.<sup>۱</sup>

به همین جهت موبدان، آموزگاران روحانی مردم و پاسبانان حقایق مذهبی بودند و به ضرورت تربیت و تعلیم

رسمی آن‌ها از قدیم‌ترین ایام توجه شده بود.

#### ب - تربیت شاهزادگان و درباریان

تعلیم و تربیت شاهزادگانی که بر حسب ارث باید به تخت سلطنت برسند از همان کودکی با دقت و وسواس خاص صورت می‌گرفت.

مقدس مشغول شوند. آنان برای تربیت و تعلیم بایستی نزد روحانیان می‌رفتند. البته دقت زیادی در این مورد اعمال می‌شد، زیرا یکی از وظایف آن‌ها حفظ کتاب مقدس اوستا بود. بنابراین باید کمال توجه و دقت در انجام این امر به کار می‌رفت.

برای انجام وظایف مذهبی و تقدیس قربانی‌ها و به کار بردن ادواتی که در ضمن تشریفات مذهبی به کار می‌رفت، مراقبت‌های دقیق انجام می‌دادند.

با ظهور زرتشت، آموزش دین بهی به شکل گسترده‌ای رواج پیدا کرد.

در این باره افلاطون نظام نامی تحصیلی آنان را چنین شرح می‌دهد: «شاهزادگان از کودکی نزد دایه‌گان و خواجه سرایان سپرده می‌شدند تا با توجه کامل، راست و درست، زیبا و قوی بنیه پرورش یابند. البته از هفت سالگی تعلیمات ابتدایی مربوط به سواری، شکار و تیراندازی را به آنان یاد می‌دادند و از سن چهارده سالگی زیر نظر چهار آموزگار ایرانی برگزیده به تکمیل

تحصیلات خود می‌پرداختند. عالم‌ترین معلم‌ها به آن‌ها حکمت متعال که به وسیلهی زرتشت از طرف اهورامزدا آورده شده بود می‌آموختند. با رساترین افراد نیز در تهذیب اخلاق آنان می‌کوشیدند. شجاع‌ترین افراد نیز آن‌ها را به دلاوری و مردانگی ترغیب می‌کردند.<sup>۲</sup>

به طور کلی، تعلیم و تربیت شاهزادگان شامل فنون جنگی، مذهب، عدالت و امور کشورداری بود. مواد تحصیلی هم عبارت بود از سواری، تیر و کمان، منطق و طبیعیات، حساب، آیین شاهی و مرزبانی، سخنوری، آیین رزم و فن نظام و از این قبیل.

از آیین‌ها و برنامه‌های دیگری که برای

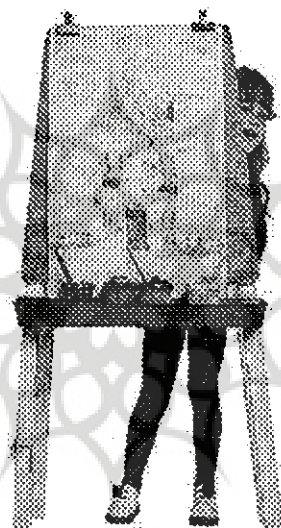
به شاهزادگان و فرزندان مقام‌های بالای مملکتی علاوه بر آموزش‌های عمومی، فن مملکت‌داری، مدیریت و قضاوت نیز آموخته می‌شد.

۱ سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۴۵

۲ اخلاق ایران باستان، ص ۵۰

### آموزش‌های جنگی، پهلوانی و ورزشی جای ویژه‌ای در بین خانواده‌های ایرانی داشت.

تربیت شاهزادگان و درباریان در نظر گرفته شده بود، گزنفون در کتاب خود «انابازس» Anabasis و استرابون در کتاب «یونانیان و بربرها» بیان داشته‌اند: «پسران اشراف و



بزرگ‌زادگان پیش‌تر در دربار سلطنتی تربیت می‌شدند. در کنار کاخ شاهی، جای‌گاه ویژه‌ای به نام «جای‌گاه آزادی»، یا Eleuthera وجود داشته است که دور از بناهای عمومی بود. این جای‌گاه به چهار قسمت تقسیم می‌شد: قسمت ویژه کودکان، نوجوانان، مردان کامل و مردان سال‌خورده.<sup>۳</sup>

البته در این جای‌گاه آزادی یا به عبارتی آموزشگاه درباری، هر بخش زیر نظر دوازده

۳ یونانیان و بربرها، ص ۵۱

افسر بود. اعضای بخش چهارم یا به عبارتی مردان سال‌خورده که نمی‌توانستند سلاح برگیرند، به دادرسی و کارهای مهم می‌پرداختند. آنان وظایف دیگری نیز داشتند.

آموزگاران دوره اول از میان سالمندان دوره چهارم و معلمان دوره دوم از میان مردان کامل دوره سوم برگزیده می‌شدند. به این ترتیب آموزندگان عموماً از افراد خاندان سلطنت یا استان‌داران بودند و مقام ولایی داشتند.<sup>۴</sup>

گزنفون نیز درباره تربیت این گروه چنین می‌گوید: «همان‌گونه که در سایر مدرسه‌ها، نوشتن و خواندن تعلیم داده می‌شد، در این آموزشگاه یا مدرسه نیز آموختن و مشق راست‌گویی و درست‌کرداری یکی از مواد اولیه‌ی نظام نامه بود.

در آن‌جا هرگونه گفتار و کردار خلاف راستی و درستی منع می‌شد و مرتکب آن تنبیه می‌شد. به علاوه آنان باید راستی، درستی، فرمانبرداری، اعتدال در خوراک و وظیفه‌شناسی را عملاً یاد بگیرند و در امور روزانه به کار برنده.<sup>۵</sup>

### اوقات تحصیل

ایوانیان باستان برای استراحت، وظایف دینی و کار و تلاش روزانه، اوقات معینی را در شبانه‌روز در نظر گرفته بودند و این

۴ عیسی صدیق، مقاله‌ی تربیت و تعلیم در ایران هخامنشی، وزارت فرهنگ و هنر، سال ۱۳۵۳، ص



کودکان و بیدار کردن و شکوفا کردن روان آدمی داشته، مقام ارجمندی در جامعه داشت و مورد احترام همگان بود. چرا در آیین مزدیسنا، نام آموزگار را پیش از نام پدر و مادر و کسان دیگر آوردند؟ چون آموزگار، بیناکننده و پرورنده روان آدمی است که نخستین گوهر انسان می‌باشد. بدان روی آموزگار را برتر از همه دانند زیرا ارجمندی تن تا آن گاه است که روان در او است. چون روان از تن بگسلد، چنان آن تن خوار شود که کس نخواهد بر آن نگرستن و نزدیک شدن.<sup>۱۱</sup>

مقام معلم چنان با ارزش بود که اهورامزدا و زرتشت نیز معلم خوانده شده‌اند: «زرتشت آموزگار راستی بود و اندیشه‌ی راستی را در جهان منتشر ساخت. از این رو بود که به او گفتار دلپذیر داده شده.<sup>۱۲</sup>

فروتنی در تحصیل علم استقامت داشته باشند. در دو پاس وسط روز و دو پاس وسط شب استراحت کنند.<sup>۹</sup>

البته مقررات سخت برای طالبان علوم دینی به ویژه در شب‌ها باید مراعات می‌شد: «کسی که تمام شب دراز بکشد بدون پرستش و بدون سرودن گاتاها، و بدون یاد گرفتن اوستا و بدون کار و بدون تعلّم و بدون تعلیم، در حالتی که امیدوار فیروزی پل صراط باشد با فریب‌کاری خود را روحانی می‌گوید. چنین گفت اهورا مزدا که ای مقدس زرتشت، او را «اتروان» یعنی روحانی نگویند.<sup>۱۰</sup>

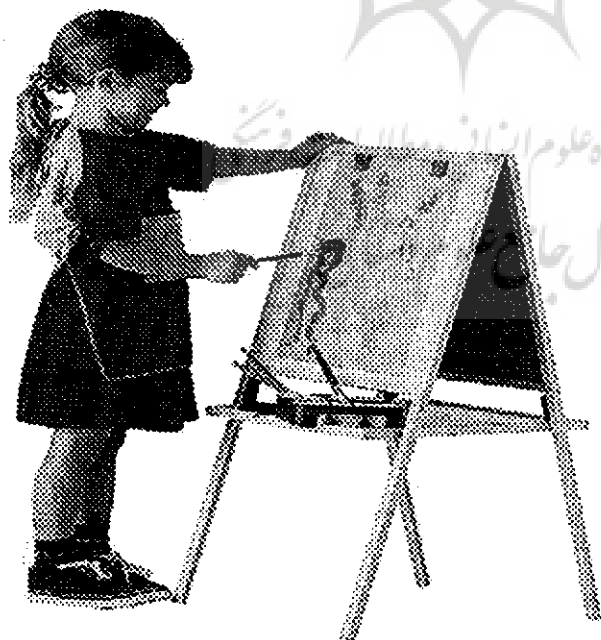
### حرفه‌ی معلمی و ویژگی‌های آموزگاران

در ایران باستان، از آن‌جا که معلم مهم‌ترین نقش را در اجتماع از جنبه‌ی تعلیم و تربیت

زرتشت عقیده داشت: ۱/۳ از وقت شبانه‌روز باید صرف عبادت و کارهای نیک، ۱/۳ صرف کار و کاسبی و ۱/۳ باقی مانده صرف استراحت و تفریح شود.

موضوع همان قدر رعایت می‌شد که ادای وظیفه یا به کاربردن نظم و انضباط در کارها رعایت می‌شد. در پندنامه‌ی بزرگمهر آمده است: «هر زرتشتی بخصوص هر برزگر باید یک سوم اوقات شبانه روز را برای مذهب و امور دینی و نیکوکاری، یک سوم را برای کشت و زرع و یک سوم دیگر را برای خوراک و استراحت و تفریح صرف کند.<sup>۶</sup> هر روز از سحر آغاز به تحصیل می‌شد، زیرا سحر خیزی در اوستا ستوده شده است. «شاگردان روی هم رفته روزی هشت ساعت درس می‌خواندند و تا زمان ساسانیان وضع آموزشگاه‌ها کمابیش چنین بود.<sup>۷</sup> اما این مقدار ساعت برای تحصیل برای دو قسمت روز تقسیم شده بود: «قسمت اول و آخر روز را برای تحصیل خوب می‌دانستند.<sup>۸</sup>

اما برای کسانی که در امور دینی تحصیل می‌کردند مقررات سخت‌تری بود. در وندیداد در این باره آمده است: «اوقات تحصیل برای طالبان علوم دینی این است که پاس اول و پاس آخر روز، پاس اول و پاس آخر شب، باید در تحصیل خود محکم و با پرهیزگاری صرف شود. باید با پرهیزگاری و



۶ فرهنگ‌نامه‌ی تربیت، ص ۶۴۷

۷ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۸۸

۸ وندیداد ۴، فقره ۴۵

۹ وندیداد ۴، باب ۴، فقره ۴۵

۱۰ وندیداد ۵، باب ۱۸، فقره ۵

۱۱ آیین آیین مزدیسنا، ص ۷۹

۱۲ یسنا، فقره ۲۹

از سروش و بهمن نیز به نام آموزگار یاد شده است: «سروش، پارسای خوش اندام و پیروزمند جهان آرای مقدس و سرور راستی را می‌ستاییم... کسی که آموزگار دین است و اهورامزدا را پاک به او دین بیاموخت»<sup>۱۳</sup>

یکی از وظایف بهمن نیز این است که «به انسان گفتار نیک تعلیم می‌دهد و از بیهوده‌گویی باز می‌دارد»<sup>۱۴</sup>

درباره کیومرث نیز آمده «کیومرث نخستین کسی است که نیک اندیشید، نیک گفت، نیکی به جای آورد و نخستین کسی است که دانش بیاموخت»<sup>۱۵</sup>

معلم باید کسی را که خواستار علم بود، به او (علم) بیاموزد: «اگر شخص بیگانه یا هم دین یا برادر یا دوستی برای تحصیل علم و هنر به نزد شما آید او را بپذیرید و آن چه خواهد به او تعلیم دهید»<sup>۱۶</sup>

معلم‌ها برای این که بتوانند همه را آگاهی دهند لازم بود که: «... شب تا به سحر در مطالعه و تأمل به سر برده و هرگاه برعکس شب را به خواب بگذرانند از مطالعه و آموختن غفلت کنند، گناه کار نسبت به پیشه‌ی خود

آموزگاران، دبیران، دهقانان و استادان در فرهنگ ایران باستان از مقام، اعتبار و شخصیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند.

شمرده می‌شوند»<sup>۱۷</sup>

معلم به خاطر وظیفه و مسئولیت سنگینی که در راه آموزش دادن و تربیت شاگردان خود دارد بایستی رنج‌های بسیار برد. درباره حق شناسی نسبت به چنین معلمی آمده است که: «بشود آن نیک مردی که راه راستی و درستی را به ما نشان داد در هر دو جهان پاداش نیک یابد»<sup>۱۸</sup>

چنین آموزگارانی هر جا و هرگاه که باشند



ستایش می‌شوند: «آموزگاران کیش، خانمان‌ها، ده‌ها، ناحیه‌ها و مملکت‌هایی که پیش از این بودند می‌ستاییم. آموزگاران کیش، خانمان‌ها، ده‌ها، ناحیه‌ها و مملکت‌هایی را که پس از این خواهند بود می‌ستاییم. آموزگاران کیش، خانمان‌ها، ده‌ها، ناحیه‌ها و مملکت‌هایی را که اکنون هستند، می‌ستاییم»<sup>۱۹</sup>

در عصر هخامنشیان حرفه‌ی آموزگاری یکی از مهم‌ترین مشاغل اجتماعی بود که هر کسی نمی‌توانست به آسانی به این مقام برسد.

در ایران باستان، تخصص معلم‌ها نیز مورد توجه بسیار بود و برای آموزش‌های حرفه‌ای استادان ماهر را به کار تعلیم و تربیت می‌گماشتند.

بعضی از آموزگاران معروف در دوره کیانی شاگردان و پیروان بسیاری داشتند. یکی از استادان ایرانی در این دوره موسوم به «سانا» Saena بود که یکی از مبلغین مبرز مزدا پرستی بود و صد سال بعد از زمان زرتشت می‌زیست و صد شاگرد در درس او حضور می‌یافتند»<sup>۲۰</sup>

در زمان هخامنشیان بخصوص به تبحر معلم‌ها اهمیت بسیار داده می‌شد و هخامنشیان این امر مهم و حساس را به مردم عادی نمی‌سپردند.

معلم‌ها نیز مختلف بودند: «معلمین دینی، معلمین سوادآموزی، معلمین تربیت بدنی، معلمین علوم دیگر (حساب، کشاورزی و...)، معلمین درباری و معلمین عمومی که آنان نیز بر حسب سن و خصوصیات دانش‌آموزان، طبق مقرراتی تعیین می‌شدند»<sup>۲۱</sup>

پایان

۱۳ سروش یشت، کرده ۳، فقره ۴

۱۴ یشت‌ها، ج ۱، ص ۸۹

۱۵ فروردین یشت، کرده ۲۴، فقره ۸۸

۱۶ وندیداد، فرگرد ۴، فقره ۴۴

۱۷ وندیداد مزگرد ۱۸، فقره ۶ و ۵

۱۸ یسنا، های ۴۳، فقره ۳

۱۹ فروردین یشت، فقره ۱۵۰

۲۰ وندیداد ص ۷۰

۲۱ آموزش و پرورش در ایران باستان، ص ۳۷

از سروش و بهمن نیز به نام آموزگار یاد شده است: «سروش، پارسای خوش اندام و پیروزمند جهان آرای مقدس و سرور راستی را می‌ستاییم... کسی که آموزگار دین است و اهورامزدا را پاک به او دین بیاموخت»<sup>۱۳</sup> یکی از وظایف بهمن نیز این است که «به انسان گفتار نیک تعلیم می‌دهد و از بیهوده‌گویی باز می‌دارد»<sup>۱۴</sup>

درباره کیومرث نیز آمده «کیومرث نخستین کسی است که نیک اندیشید، نیک گفت، نیکی به جای آورد و نخستین کسی است که دانش بیاموخت»<sup>۱۵</sup>

معلم باید کسی را که خواستار علم بود، به او (علم) بیاموزد: «اگر شخص بیگانه یا هم دین یا برادر یا دوستی برای تحصیل علم و هنر به نزد شما آید او را بپذیرید و آن چه خواهد به او تعلیم دهید»<sup>۱۶</sup>

معلم‌ها برای این که بتوانند همه را آگاهی دهند لازم بود که: «... شب تا به سحر در مطالعه و تأمل به سر برده و هرگاه برعکس شب را به خواب بگذرانند از مطالعه و آموختن غفلت کنند، گناه کار نسبت به پیشه‌ی خود

آموزگاران، دبیران، دهقانان و استادان در فرهنگ ایران باستان از مقام، اعتبار و شخصیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند.

شمرده می‌شوند»<sup>۱۷</sup>

معلم به خاطر وظیفه و مسئولیت سنگینی که در راه آموزش دادن و تربیت شاگردان خود دارد بایستی رنج‌های بسیار برد. درباره حق شناسی نسبت به چنین معلمی آمده است که: «بشود آن نیک مردی که راه راستی و درستی را به ما نشان داد در هر دو جهان پاداش نیک یابد»<sup>۱۸</sup>

چنین آموزگارانی هر جا و هرگاه که باشند



ستایش می‌شوند: «آموزگاران کیش، خانمان‌ها، ده‌ها، ناحیه‌ها و مملکت‌هایی که پیش از این بودند می‌ستاییم. آموزگاران کیش، خانمان‌ها، ده‌ها، ناحیه‌ها و مملکت‌هایی را که پس از این خواهند بود می‌ستاییم. آموزگاران کیش، خانمان‌ها، ده‌ها، ناحیه‌ها و مملکت‌هایی را که اکنون هستند، می‌ستاییم»<sup>۱۹</sup>

در عصر هخامنشیان حرفه‌ی آموزگاری یکی از مهم‌ترین مشاغل اجتماعی بود که هر کسی نمی‌توانست به آسانی به این مقام برسد.

در ایران باستان، تخصص معلم‌ها نیز مورد توجه بسیار بود و برای آموزش‌های حرفه‌ای استادان ماهر را به کار تعلیم و تربیت می‌گماشتند.

بعضی از آموزگاران معروف در دوره کیانی شاگردان و پیروان بسیاری داشتند. یکی از استادان ایرانی در این دوره موسوم به «سانا» Saena بود که یکی از مبلغین مبرز مزدا پرستی بود و صد سال بعد از زمان زرتشت می‌زیست و صد شاگرد در درس او حضور می‌یافتند»<sup>۲۰</sup>

در زمان هخامنشیان بخصوص به تبحر معلم‌ها اهمیت بسیار داده می‌شد و هخامنشیان این امر مهم و حساس را به مردم عادی نمی‌سپردند.

معلم‌ها نیز مختلف بودند: «معلمین دینی، معلمین سوادآموزی، معلمین تربیت بدنی، معلمین علوم دیگر (حساب، کشاورزی و...)، معلمین درباری و معلمین عمومی که آنان نیز بر حسب سن و خصوصیات دانش‌آموزان، طبق مقرراتی تعیین می‌شدند»<sup>۲۱</sup>

پایان

۱۳ سروش یشت، کرده ۳، فقره ۴

۱۴ یشت‌ها، ج ۱، ص ۸۹

۱۵ فروردین یشت، کرده ۲۴، فقره ۸۸

۱۶ وندیداد، فرگرد ۴، فقره ۴۴

۱۷ وندیدادمژگرد ۱۸، فقره ۶ و ۵

۱۸ یسنا، های ۴۳، فقره ۳

۱۹ فروردین یشت، فقره ۱۵۰

۲۰ وندیداد ص ۷۰

۲۱ آموزش و پرورش در ایران باستان، ص ۳۷